

## نگاهی به اهمیت و ضرورت دشمن‌شناسی در قرآن

### دشمنان درونی و بیرونی انسان

دشمن‌شناسی یک ضرورت بدیهی از نظر عقل و شرع است. هر کسی باید ظرفیت‌ها و ناتوانی‌های خود را بشناسد و از فرصت‌ها و تهدیدها آگاه باشد تا بتواند در موقعیتی برتر مسیر بالندگی و رشد خود را ادامه دهد و به هدف خود دست یابد. بخشی از آموزه‌های قرآنی به حوزه دشمن‌شناسی اختصاص یافته و حتی مصادیقی از دشمنان را بیان کرده تا انسان‌ها با بصیرت و آگاهی تمام کنش و واکنش‌های درست و مثبتی داشته باشند. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآنی برخی از مهم‌ترین مصادیق دشمن انسان و انسانیت را تبیین کرده است.

### نقاط ضعف انسان

از نظر آموزه‌های قرآنی انسان با آنکه در میان آفریده‌های الهی در اوج دانایی و توانایی قرار دارد و به همین علت به عنوان خلیفه الهی انتخاب و معرفی شده (بقره، آیات ۳۰ و ۳۱) در همان حال دارای نقاط ضعف فراوانی است که موجبات شکست و ناکامی او را در پذیرش مسئولیت و انجام مأموریت فراهم می‌آورد. از مهم‌ترین نقاط ضعف انسان می‌توان به فقر ذاتی و وجودی او اشاره کرد؛ زیرا انسان همانند هر آفریده دیگری از خود هیچ چیز ندارد و مانند لامپی است که انرژی خود را دم به دم از منبع انرژی می‌گیرد. بنابراین اگر دمی این اتصال و ارتباط با منبع حیات و دانایی و توانایی قطع شود انسان از میان می‌رود و هیچ می‌شود. (فاطر، آیه ۱۵)

انسان غیر از این، نقاط ضعف دیگری هم دارد که از جمله آنها وجود ترکیبی اوست. روح الهی که منبع انرژی انسان است، وقتی در قالب تن و کالبد مادی قرار می‌گیرد به عنوان نفس از آن یاد می‌شود. این حالت خاص روح، موجب می‌شود تا انسان دارای نقاط ضعفی از همان جایی شود که منبع قدرت اوست؛ به این معنا که نفس انسان هویت او را شکل می‌دهد و انسانیت انسان در همین نفس و روان اوست که امری مجرد و الهی است؛ اما قرار گرفتن در کالبد مادی موجب می‌شود تا نفس نیازهایی به اموری پیدا کند که می‌تواند عامل ضعف اساسی او شود؛ زیرا نفس انسانی در حالتی که در کالبد مادی تن قرار دارد، نیاز به قوه جاذبه و دافعه‌ای پیدا می‌کند که از آن به شهوت و غضب یاد می‌شود. این دو با آنکه برای انسان ضروری هستند ولی اگر تحت حاکمیت و مدیریت قوه عاقله قرار نگیرند می‌توانند عامل بازدارنده‌ای برای بشر در انجام مسئولیت و رسیدن به منزلت الهی باشد. از این رو حالاتی از حالات نفس با عنوان هواهای نفسانی، دشمن درونی انسان می‌شود و سد راه و پیشرفت او می‌گردد. (جاثیه، آیه ۲۳)

نقاط ضعف دیگری نیز برای بشر است که یکی از مهم‌ترین آنها وجود دشمنی نامرئی به نام ابلیس و شیاطین جنی است. این دشمن سوگند خورده خود را رقیب بشر می‌داند و بر این باور است که او شایسته خلافت الهی و از بشری که از گل ساخته شده برتر است؛ زیرا او از انرژی و آتش پاک ساخته شده و توانایی و قدرت برتری نسبت به انسان دارد. (اعراف، آیه ۱۲؛ ص، آیه ۷۶)

این دشمن به سبب آنکه برای انسان دیدنی نیست می‌تواند به گونه‌ای به انسان نزدیک شود که گوش و چشم انسان شود و مطالب خودش را از زبان آدمی در گوش جان او بگوید یا بر زبان جاری کند و انسان گمان می‌کند این افکار و اندیشه‌ها از آن اوست و یا او دارد این مطالب را می‌گوید در حالی که ابلیس و شیاطین جنی بر او مسلط شده و او را به این افکار و اندیشه‌ها و بیان این مطالب می‌کشانند. (اعراف، آیه ۲۷ و آیات دیگر)

با توجه به آنچه گذشت و نیز امور دیگر، لازم و ضروری است که انسان همان طوری که باید از قدرت ها و ظرفیت های آشکار و نهان خود آگاه شود تا براساس آن برنامه ریزی و سیاست گذاری داشته باشد، می بایست نسبت به ضعف و نقاط تهدید آگاهی یافته و از قدرت و توانمندی های دشمنان خود آگاه شود تا بتواند در هر موقعیتی رفتار و کنش و واکنش های مناسب و درستی داشته باشد.

## دشمنان درون و برون انسان

ما وقتی از دشمنان درونی سخن می گوئیم به معنای بیان نقاط ضعف انسان است؛ یعنی اموری که فرصت را برای دشمن فراهم می آورد تا از آن نقاط ضعف به درون وجود نفوذ کرده و مدیریت ملک و مملکت را به دست گیرد. به عنوان نمونه قوه جاذبه ای مانند شهوت به انسان کمک می کند تا نیازهای غذایی، شهوانی و جنسی و مانند آن را برآورده کند و تن را برای مأموریت های روان آماده کند؛ زیرا روان آدمی بدون تنی سالم و تندرست نمی تواند کاری از پیش برد؛ چرا که تن همانند مرکبی برای روان است که با آن به سمت مقصد حرکت می کند. ضعف و سستی و بیماری و ناتوانی تن به معنای نداشتن ابزاری مناسب برای روان برای رسیدن به مقصد و مقصود است.

همچنین انسان نیازمند قوه دافعه ای به نام غضب است تا او را نسبت به تهدیدها مجهز و آماده کند. اگر خشم نبود انسان در هنگام مواجهه با تهدیدات نمی توانست واکنش مثبت و درستی داشته باشد. در حقیقت امنیت و آرامش انسان را قوه غضب تامین می کند.

اما اینها در زمانی عملکرد مناسب و خوب و درستی خواهند داشت که تحت مدیریت قوه عاقله باشند؛ وگرنه زیاده طلبی و اسراف و تعدی و ظلم جزو ذاتی قوه جاذبه و دافعه است. به طوری که اگر دمی رها شوند به زیاده خواهی و تعدی و ظلم رو آورده و حقوق دیگر ابعاد نفس را نادیده گرفته و پایمال می کنند. از این رو در روایات این حالت نفس به عنوان دشمن ترین دشمنان بشر معرفی می شود؛ زیرا تقویت قوای شهوانی و غضبانی و تسلط و مدیریت آن بر ملک و ملکوت نفس و بدن موجب می شود تا انسان در مسیری قرار گیرد که ابلیس و شیاطین خواهان آن هستند.

البته ابلیس و شیاطین پیرو او بزرگترین دشمن انسان هستند که با استفاده از عنصر نهان بودن از چشم مردمان، به درون آدمی نفوذ می کنند و قوه جاذبه و دافعه انسانی را به خدمت می گیرند. در این صورت انسان گمان می کند که خود، خواهان زیاده روی در خشم و شهوت است؛ در حالی که گرفتار شیطان شده و اوست که افسار و حنک را در دست گرفته و برگرده آدمی سوار شده و او را به هر سمت و سویی که می خواهد می برد. (اسراء، آیه ۶۲)

وسوسه ابلیس و شیاطین در درون آدمی انجام می گیرد و کاری می کند تا هواهای نفسانی و قوای شهوانی و غضبانی با او همراه شوند. (اعراف، آیه ۲۰؛ طه، آیه ۱۲۰) بنابراین لازم است تا انسان با این دشمن و ویژگی ها و روش ها و سازوکارهایش آشنا شود. برای اساس بخش بزرگی از آیات قرآنی به نقطه ضعف درونی بشر یعنی قوای شهوانی و غضبانی و نیز دشمن کینه توز و قسم خورده به نام ابلیس و شیاطین اختصاص یافته است و خداوند بارها در قرآن از ابلیس و شیطان به عنوان دشمن روشن و آشکار انسان یاد کرده است. این آشکاری در دشمنی است نه در رویت و دیدن او؛ چرا که او هرگز خود را برای بشر آشکار نمی کند و در نهان و بیشتر در درون انسان از طریق نقاط ضعف و حفره های امنیتی بر انسان مسلط می شود و او را مدیریت نرم افزاری می کند.

خداوند در آیاتی از جمله آیه ۲۰۸ سوره بقره بیان می کند که ابلیس این دشمن مبین انسان، گام به گام به پیشروی خود ادامه می دهد تا به گونه ای بر انسان مسلط می شود که خود انسان شیطان می شود. اینجاست که خداوند از دو دسته شیطان انسی و جنی سخن به میان می آورد. (انعام، آیه ۱۱۲)

۱. نفس اماره: بزرگترین دشمن انسان، همان نفسی است که مدیریت عقل را کنار گذاشته و اجازه داده تا دو قوه دیگر یعنی قوه شهوانی و غضبانی مدیریت نفس را به دست گیرد. (یوسف، آیه ۵۳؛ فرقان، آیه ۴۳)

۲. ابلیس: دومین دشمن انسان که دشمن سوگند خورده و نادیدنی است، ابلیس است. (بقره، آیه ۲۰۸)

۳. شیاطین: پیروان و اولیای ابلیس که از آنان به عنوان شیاطین یاد می‌شود، گروه سوم از دشمنان بشریت را تشکیل می‌دهند. این‌ها شامل دو گروه پیروان انسانی و جنی ابلیس می‌شوند. (انعام، آیه ۱۱۲)

۴. کافران: کافران از گروه‌های مختلف اعتقادی از منکران خدا گرفته تا منکران ربوبیت خداوند از دشمنان بشریت هستند که اجازه نمی‌دهند انسان در مسیر عبودیت قرار گرفته و راه کمالی و خلافت الهی را بپیمایند. (نساء، آیه ۱۰۱؛ انفال، آیات ۵۹ و ۶۰؛ محمد، آیات ۱ و ۲؛ حج، آیه ۱۹)

۵. مشرکان: این گروه نیز طیف وسیعی از مردمان و حتی برخی از اهل کتاب را نیز شامل می‌شوند؛ زیرا برای خداوند شریک در الوهیت و ربوبیت قائل هستند. اینان نیز با اشتباه و خطای عمدی و غیر عمدی، سد راه بشر هستند و اجازه نمی‌دهند که انسان با عبادت موحدانه در مسیر خلافت الهی قرار گیرد و یا ربانی شدن، مسئولیت الهی را به عهده گیرد. (مائده، آیات ۲ و ۸۲؛ توبه، آیات ۸ تا ۱۰؛ ممحنته، آیه ۲)

۶. منافقان: اینها نیز یک گروه اعتقادی از دشمنان انسان و انسانیت هستند که کفر و شرک خویش را نهان کرده و خود را مومن و مسلمان جا می‌زنند. این گروه به سبب همین نفاق و دورویی خودشان بزرگترین دشمن ظاهری انسان و مسلمانان هستند که بیشترین ضربه را همچون ابلیس از درون به جامعه انسانی وارد می‌کنند. (بقره، آیه ۲۰۴؛ آل عمران، آیات ۱۱۸ و ۱۱۹)

۷. یهودیان: این گروه از اهل کتاب به دلیل ویژگی‌های خاصی که در قرآن برای آنان بیان شده از مهم‌ترین دشمنان انسان و انسانیت هستند؛ زیرا جز خودشان هیچ ملتی از ملت‌ها را قبول ندارند و دشمنی آشکاری با غیرقوم خودشان دارند. (آل عمران، آیات ۱۱۸ و ۱۱۹) عالمان آنها در دشمنی و عناد قوی‌تر از توده‌های یهودی هستند. (نساء، آیات ۴۴ و ۴۵) و در کینه توزی از همه سرآمدترند. (مائده، آیه ۸۲)

۸. همسران بی‌دین: از دیگر گروه‌های انسانی که دشمن انسان و انسانیت هستند می‌توان به همسران بی‌دین و کافرا اشاره کرد. اینان بسیار خطرناک هستند و بزرگترین ضربه را به انسان و عبودیت و خلافت او وارد می‌کنند. (تغابن، آیه ۱۴) پیامبر در این باره فرموده است: دشمنان شما آنها نیستند که در میدان جنگ با شما مقابله می‌کنند و با آنها می‌جنگید و کشته می‌شوند، بلکه دشمن شما یکی نفس خود شماست که در میان دو پهلوی شما قرار گرفته است و دیگر آن دسته از همسران و فرزندان شما هستند که مانع راه شما می‌شوند. البته قرآن هم می‌فرماید که بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند نه همه همسران و فرزندان. در روایتی امام باقر(ع) در مورد آیه «إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ...» فرموده است: منظور این است که وقتی بعضی از مردان می‌خواستند هجرت کنند پسر و همسرش دامن آنها را می‌گرفتند و می‌گفتند: تو را به خدا سوگند که هجرت نکن، زیرا اگر بروی ما بعد از تو بی‌سرپرست خواهیم شد، بعضی می‌پذیرفتند و می‌ماندند، آیه فوق نازل شد و آنها را از قبول این گونه پیشنهادها و اطاعت فرزندان و زنان در این زمینه‌ها بر حذر داشت، اما بعضی دیگر اعتنا نمی‌کردند و می‌رفتند ولی به خانواده خود می‌گفتند: به خدا اگر با ما هجرت نکنید و بعدا در (دار الهجره) مدینه نزد ما آئید ما مطلقا به شما اعتنا نخواهیم کرد، ولی به آنها

دستور داده شد که هر وقت خانواده آنها به آنها پیوستند گذشته را فراموش کنند و جمله «و إن تعفوا و تصفحوا و تغفروا فإن الله غفور رحيم» ناظر به همین معنی است. به هر حال، کسانی که سد راه پیشرفت و عبادت و بندگی انسان شوند اینان دشمن انسان و انسانیت هستند.

۹. فرزندان بی‌دین: فرزندان بی‌دین نیز از گروه‌های خطرناک دشمن به شمار می‌آیند که آدمی می‌بایست بسیار حواس خودش را جمع کند تا از آنها ضربه نخورد. (تغابن، آیه ۱۴) امیرمؤمنان علی(ع) عبدالله بن زبیر را عامل دشمنی زبیر و جنگ او علیه اسلام و خلیفه الهی معرفی می‌کند. در منابع تاریخی است که وقتی علی(ع) و اصحاب جمل رو به روی هم ایستادند، علی(ع) سوار بر اسب شده و زبیر را خواست، وقتی هر دو به هم نزدیک شدند، علی(ع) به او گفت: چه چیزی تو را به اینجا آورد؟ گفت: من به این علت به اینجا آمدم که تو را شایسته این کار نمی‌دانم و تو را از خود اولای به خلافت نمی‌دانم! حضرت فرمودند: آیا بعد از مرگ عثمان من شایستگی خلافت ندارم؟ ما تو را از بنی عبدالمطلب می‌دانستیم، تا اینکه پسر ناشایست تو بزرگ شد و بین ما و تو فاصله انداخت. (الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، متوفای ۳۱۰؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۴۱، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت)

۱۰. مجادله‌کنندگان: از دیگر گروه‌های بشری که دشمن انسان و انسانیت هستند، گروه مجادله‌کننده هستند. مجادله‌کننده با آنکه حق را می‌شناسد ولی از روی لجاجت و عناد بر سخن باطل خود پافشاری می‌کند. اینان بدون دلیل و برهان می‌کوشند تا سخن باطل خود را به کرسی بنشانند و با سفسطه‌گری و مغالطه سد راه مردمان شوند. (غافر، آیه ۳۵)

۱۱. بیگانگان و غیرخودی‌ها: از دیگر دشمنان بشریت بیگانگان و غیرخودی‌ها هستند. اینان شامل هر گروه قومی و نژادی و مذهبی هستند که احساس بیگانگی می‌کنند و خود را جزو مومنان و مسلمانان نمی‌دانند. همین احساس بیگانگی موجب می‌شود تا به اشکال گوناگون بخواهند ضربه وارد کنند. ارتباط با این افراد و دوستی و معاملات نهان با آنان موجب می‌شود تا خواسته و ناخواسته به نقاط ضعف شما آگاه شوند و به اسرار نهان علم پیدا کنند و در زمان مناسب به شما ضربه زنند. بنابراین، هر گونه ارتباط آشکار و نهان با آنها می‌تواند بسیار زیانبار برای فرد و جامعه باشد. (آل عمران، آیات ۱۱۸ و ۱۱۹)

۱۲. دشمنان ناشناخته: غیرخودی‌ها دشمنانی هستند که شما آنها را می‌شناسید ولی گمان می‌کنید که دشمنی ندارند و مخالفت آنان به انگیزه‌ها و دلایل دیگری است. از این رو با آنان ارتباط برقرار می‌کنید و بیگانگی را ملاک برای دشمنی نمی‌دانید؛ در حالی که از نظر آنان همین بیگانگی و تفاوت‌های هویتی و فرهنگی و مانند آن، مهم‌ترین عامل بیگانگی و غیرخودی بودن است. اینها گروهی از دشمنان هستند که نوعی شناخت نسبت به آنان وجود دارد؛ اما دشمنانی هستند که ناشناخته هستند و ممکن است سالیان سال خود را دشمن نشان ندهند، ولی در زمان مناسب ضربه خود را وارد می‌کنند. از این رو خداوند فرمان می‌دهد که انسان‌ها و جامعه ایمانی باید خود را همواره چنان مجهز و آماده دفاع کنند که دشمنان نهان به خود اجازه ندهند تا حمله‌ای انجام دهند؛ در حقیقت آمادگی دفاعی و هوشیاری و بیداری دائمی موجب می‌شود که دشمنان نهان، همچنان خود را نهان نگه دارند و حرکتی انجام ندهند. بسیاری از دشمنان انسان و انسانیت تا زمانی که قطع به پیروزی نداشته باشند دشمنی خود را آشکار نمی‌کنند. پس هوشیاری و بیداری و داشتن آمادگی کامل دفاعی می‌تواند این دشمنان را همچنان مخفی نگه دارد و آسیبی از سوی آنان نرسد. (نساء، آیه ۴۵؛ انفال، آیه ۶۰)

**آنچه بیان شد مهم‌ترین مصادیق از دشمنان انسان و انسانیت است که در آموزه‌های قرآنی معرفی شده‌اند و از مردمان خواسته شده تا مواظب باشند اینان به خواسته‌های نامشروع و زشت خود نرسند. بیداری و هوشیاری و آگاهی از آنان و روش‌ها و سازوکارها و ابزارهایشان می‌تواند ما را از آسیب‌های جدی آنان در امان نگه دارد و از زیان و ضرر دشمنی‌شان بکاهد. از این رو دشمن‌شناسی از سویی و تهیه و تجهیز به نفرات و فن‌آوری‌های نوین دفاعی و جنگی در اسلام مورد تاکید قرار گرفته است.**